



خودمان را قاضی نیبینیم

علی شاه حاتمی: بعد از جشنواره باید یک جلسه محاکمه برگزار کنیم و ببینیم چرا برخی فیلم‌ها را انتخاب کرده‌اند، گاهی برخی سوالات برابرم تعجب‌برانگیز است. همیشه سلیق وجود داشته است، خودمان را قاضی نیبینیم، به اندازه قاضی نیسیم. از صحبت‌های این تهیه‌کننده در نشست خبری «ماهان»



باید دوباره ازدها وارد شود

رامین سهراب: دوست دارم اکشن ایران را دوباره زنده کنم، فیلم‌های جمشید هاشم‌پور فیلم‌های اکشن بسیار خوبی بود اما بعد کمرنگ شد و معتقدم باید دوباره ازدها وارد شود. از صحبت‌های این کارگردان در نشست خبری «لایه‌های دروغ»



عکس: مریم رضوی

علت انتخاب پردیس پورعابدینی به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی این فیلم چیست؟

«بی‌مادر» اولین نقش آفرینی پردیس پورعابدینی در یک فیلم سینمایی است. او برخلاف سن کمش بسیار مستعد، باانگیزه و با پشتکار است. این نقش متفاوتی بسیاری داشت اما من از اولین جلسه‌ای که با پردیس پورعابدینی داشتم، برابرم روشن بود که می‌تواند آن را ایفا کند. **«بی‌مادر» اولین فیلم شمامست، حضور اولین فیلم‌تان در جشنواره فیلم فجر چگونه است؟ چه حسی به این مسأله دارید؟** جشنواره فیلم فجر بعد از چهل سال مداومت به یک آیین ملی تبدیل شده است، همه مردم می‌دانند که ۱۰ روز در سال، همراه با جشنواره فجر میهمان سینما هستند و فیلم‌ها را همراه با اهالی رسانه می‌بینند و مورد توجه قرار می‌دهند. من هم

کرده است. «پرف آخر» در ادامه مسیری قرار می‌گیرد که حیایی می‌کوشد لایه لای تجربه‌گری‌هایش در سینمای تجاری (که گویا دست از سر او برنمی‌دارد) از آن عبور کند. به نظر می‌رسد ستاره پرکار سینمای ایران در دهه هفتاد و هشتاد، قصد دارد موقعیت خود را در سینما تغییر دهد، حیایی حتی در اوج فعالیت در سینمایی که برایش فروش و جذب مخاطب انبوه در اولویت است، معمولاً بازی قابل قبولی داشته، هر چند کارنامه حرفه‌ای اش از کم‌دی‌های نازل و فیلم‌های مبتذل خالی نیست. با این همه او امین حیایی است، بازیگری که می‌تواند بارها و بارها خود و اعتبارش را به‌عنوان یک هنرپیشه حرفه‌ای احیا کند. احتمالاً اسمال او برای بازی در «پرف آخر» نامزد دریافت سیمرغ بلورین خواهد شد و اگر خوش اقبال باشد با دست پر مراسم اختتامیه را ترک خواهد کرد.



درباره فیلم «لایه‌های دروغ» ساخته امید سهراب

الفبا

نقد فیلم



علیرضا در افی منتقد سینما

سینمای اکشن برای سال‌ها زائری ناممکن در سینمای ایران بوده است. زائری که به سادگی در آن می‌توان چرخه معیوب عرضه و تقاضا در این سینما را دید. در حالی که در میان مخاطبان ایرانی، ژانر اکشن محبوب و پرطرفدار است اما سینمای ایران توان پاسخ به این تقاضا را ندارد. سال‌هاست از آثار اکشنی که سینمای ایران تولید می‌کرد گذشته است و حدود سه دهه است که نه صاحب فیلمساز اکشن بودیم، نه طبیعتاً بازیگر و دیگر عوامل برساننده این ژانر. اما سینمایی که می‌خواهد تولید بالای خود را حفظ کند، چرخه توجیه‌پذیر اقتصادی داشته باشد و ساختار عرضه و تقاضای سالمی را به وجود آورد، ناگزیر از وارد شدن به این عرصه به مانند دیگر ژانرهای پرطرفدار سینمایی است. حال با این وضعیت و برهوت مطلق، پس از سال‌ها یک جوان از فرنگ برگشته به نام رامین سهراب با فیلم «لایه‌های دروغ» تلاش کرده که فیلمی اکشن در سینمای ایران تولید کند. خط اصلی فیلمنامه «لایه‌های دروغ» برگرفته از الگوی آشنایی در داستان‌گویی سینمای اکشن است؛ تلاش

درباره «ماهان» ساخته حمید شاه‌حاتمی

مصایب جدی نبودن

گاهی فیلم‌ها سفارشی نیستند اما به شکلی ساخته می‌شوند که گویی سفارشی‌اند. این وضعیت به طور نظری به مسأله‌ای غیر از بررسی کیفیت فیلم و حتی ارزش‌گذاری در باب نقش جریان سفارشی‌سازی برمی‌گردد. این شرایط مربوط به جریانی غلط و روندی معیوب در استراتژی تولید یک فیلم است. گویی به سبب تعدد فیلم‌های سفارشی در طول تاریخ سینمای ایران، فراتر از جریان تولید سفارشی، سبکی غلط باب شده است به نام «سبک سفارشی» که فیلم‌هایی مثل «ماهان» را که رسماً سفارشی ساخته نشده‌اند، در دام خود می‌اندازد. فیلم «ماهان» ساخته حمید شاه‌حاتمی درباره جوانی



برای آزاد کردن معشوقه در گروگان توسط یک آتش‌نشان رزمی‌کار. تم‌های انتقام و گروگانگیری در کنار هم روایت فیلم را ساخته‌اند. فیلم در اجرای صحنه‌های اکشن فراتر از استانداردهای سینمای ایران است و در به وجود آوردن چنین لحظاتی تاحدودی موفق است، اما خود صحنه‌های اکشن موقعیت‌هایی هستند که در بستر یک داستان و درام سرراست اما مستحکم شکل می‌گیرند و قابل باور می‌شوند. حتی در فیلم اکشن هم ساختار دراماتیک اصل است؛ چرا که تنش و زد و خورد بیرونی بر مبنای آن تنش و رویارویی درونی دراماتیک احساس و معنا پیدا می‌کند. «لایه‌های دروغ» مشخصاً فاقد فیلمنامه و ساختار دراماتیک درست است. برای نمونه از همان ابتدا مهم‌ترین نکته گذشته شخصیت است. او با یک عذاب وجدان و رسالتی مجهول به‌عنوان آتش‌نشان کار می‌کند. این گذشته و رسالت برآمده از آن، به طرز تعجب‌آوری توضیح داده نمی‌شود. اساساً فیلمنامه نویسان پر تعداد فیلم‌گویی اعتنایی به ساخت پیش‌داستانی که درام را پشتیبانی کند نداشته‌اند. در ادامه همین سنگ بنای غلط است که صحنه‌های الکن و تپ‌های بی‌خاصیت فیلم در پی یکدیگر می‌آیند. علت و معلول الفبای کار درام در هر ژانری است و این اصل در «لایه‌های دروغ» هیچ



فیلم اکشن اساساً با نوعی فانتزی و لحظه‌های قهرمانی فراواقعی همراه است. این بدان معناست که باور در این گونه خود همراه سازد. اگر هم شخصیت فیلم اکشن فاقد جزئیات باشد، دست‌کم باید چند ویژگی اصلی داشته باشد تا مخاطب او را همراهی کند و نسبت به او همدلی داشته باشد. زمانی که شخصیت و انگیزه او درست معرفی نشود آنگاه این همراهی دچار نقصان می‌شود و «لایه‌های دروغ» از این قفدان بشدت رنج می‌برد.

در فیلمنامه «ماهان» چیزی به نام دیالوگ وجود ندارد. با اینکه فیلم سرشار از حرف و اضافه‌گویی است اما هیچ دیالوگی به معنای روندی دیالکتیکی و مسأله‌ساز نمی‌شنویم. به همین علت هم فیلم از هیچ نقطه‌ای به نقطه‌ای تازه بر اثر ساختاری علی و منطقی - حرکت نمی‌کند. گویی دستی خارج از درام و حرکت خودانگیخته شخصیت‌ها، آنها را از سویی به سوی دیگری می‌کشد. «ماهان» علاوه بر دیالوگ، فاقد شخصیت هم است. به همین دلیل هم کنش و انتخاب آدم‌ها غیرقابل باور که هیچ، اساساً تحقق نیافته و گاه مضحک است. در این میان تلاش کارگردان برای ایجاد میزانشن و تصاویر چشم‌نواز از شهرهای مختلف ایران، شبیه به کارت پستالی است که اگر چه منظره جالبی

مقابل همدلی و هم حسی، فیلم نسبت تماشاگر با موضوع خود را به دافعه دست‌کم بی‌تفاوتی می‌رساند. دیالوگ‌های غیر پیش‌برنده، آدم‌های شخصیت نشده و داستانی یله و بی‌انسجام در نهایت با استفاده حجیم و بیش از اندازه از موسیقی، اثر را شبیه به یک موزیک ویدیو تبلیغاتی ضعیف و بی‌هیجان کرده است که حتی از پس تبلیغ موضوع خود بر نمی‌آید. «ماهان» در موضوع فیلمی بلندپرواز و ساخت اثر بسیار پر زحمت و دشواری بوده است. مشخص است که فیلمساز در راه ساخت این فیلم رنج زیادی را متحمل شده اما برای تحقق اهداف خود نه پتانسیل فنی لازم را داشته، نه فیلمنامه‌ای دقیق شکل داده و نه در پرداخت مسأله خود جدی بوده است.

درباره فیلم «ملاقات خصوصی» ساخته امید شمس

یک فیلم بلندپروازانه قابل قبول

فیلم سینمایی «ملاقات خصوصی» به‌عنوان اولین گام یک فیلمساز جوان و تازه‌کار در حیطه سینمای بلند حرفه‌ای، اثری بلندپروازانه و ریسک‌پذیر مبتنی بر یک درام پر پیچ و خم و پر شخصیت است که خوشبختانه به نتیجه‌ای قابل قبول رسیده است. امید شمس پس از ساخت فیلم‌های کوتاه متعدد همچون «جشن تولد»، «گذر» و «شب تولد» که در جشنواره‌های جهانی هم درخشیده‌اند، برای اولین فیلم بلند

سینمایی‌اش سراغ پرونده‌ای واقعی از قاجاق مवाद مخدر رفته که اعضای یک خانواده را درگیر بحرانی چندلایه و پیچیده کرده است. همین وامداری به رئالیسم و البته اشراق و شناخت فیلمساز از قشر، طبقه، روابط و مناسباتی که قرار بوده به آنها بپردازد باعث شده همه تلاش خود را پیش بگیرد تا مخاطب را بدون پیشداوری و قضاوت به همراهی با اثر خود وارداد. به همین واسطه است که اطلاعات و

شناسنامه آدم‌ها، خاستگاه و روابطشان بتدریج و به شیوه‌ای هوشمندانه ارائه می‌شود تا مخاطب ابتدا تحت تأثیر بطن مفاهیمی همچون عشق قرار بگیرد و بعد با پرسج‌هایی همچون فقر، قاجاق، شرارت، زندان، دروغ، خیانت و... مواجه شود تا در نهایت به خوانشی تازه و غیر کلیشه‌ای از آنها منجر شود و این اتفاق مهم می‌افتد. از ابتدای فیلم شاهد شکل‌گیری عشق بین دو جوان در موقعیتی خاص هستیم که این روند مدت دراز با تمهیداتی فشرده شده و

با یک ضرب‌الاجل دراماتیک مهر تأیید به این عشق زده می‌شود که مرحله‌ای جدید برای بروز شخصیت‌ها و البته غافلگیر کردن مخاطب است. همانطور که اشاره شد از آنجا که فیلمساز همه تلاش خود را بر خوانش غیر کلیشه‌ای از کلیشه‌های رایج گذاشته، شخصیت‌پردازی کاراکترها را نیز به گونه‌ای ظریف و تو در تو در مرحله فیلمنامه و بعد کارگردانی پیش برده است. همه گفته بهتر با شخصیت‌هایی به غایت

پرداخته شده با منحنی و اوج و فرودهای دراماتیک حساب شده روبه‌رو هستیم که قرار است در طول این درام ۲ ساعته، مرتب خود و مخاطب را غافلگیر کنند و چه چیز مهم‌تر از اینکه کاراکتر برای خودش هم غافلگیرکننده باشد! این اتفاقی است که در فیلم شکل می‌گیرد. به همین واسطه فیلم در بخش ابتدایی و پایانی برای رسوب و ته‌نشین شدن دریافت‌های کاراکترها و تصمیم‌های انتحاری و تعیین‌کننده‌ای که می‌گیرند،

نیازمند به تصویر کشیدن گذر زمان بخصوص برای باورپذیری کنش و واکنش‌ها است که همین ناگزیری باعث طولانی شدن این دو بخش شده است. بخصوص در پایان‌بندی که به نظر می‌آید چند سکانس آخر با وجود اهمیت، انرژی و جان لازم برای قرار گرفتن در راستای کلیت فیلم را ندارند و چه بسا نیاز به بازنگری داشته باشند. دیگر ویژگی مهم فیلم؛ مانور دادن بر ترکیبی تازه از بازیگران چهره و شناخته شده در قالب کاراکترهایی است که تا یک جایی از فیلم باید رمز و رازهای حول و حوش آنها حفظ شود و این انتخاب‌های هوشمندانه این مهم را ممکن کرده است. پریناز ایزدیار و هوتن شکیبا ترکیب طلایی فیلم «ملاقات خصوصی» هستند که در کنار نادر فلاح، ریما رامین‌فر، سیاوش چراغی‌پور، رؤیا تیموریان و پیام احمدی‌نیا توانسته‌اند حضوری متمایز از خود ثبت کنند که در خدمت هدف اولیه فیلم قرار می‌گیرد؛ همراهی مخاطب بدون پیشداوری و قضاوت.



باران

اول مرد در حالی که دیگر کاندیداهای این بخش بازیگرانی چون علی مصفا، مجید مظفری، فرامرز صدیقی، حامد بهداد و پرویز پورحسینی بودند به حسین عابدینی برای بازی در فیلم باران اهدا شد. ثریا قاسمی نیز موفق شد با کسب عنوان بهترین بازیگر نقش اول زن، سیمرغ بلورین این بخش را به خاطر بازی در فیلم «مارال» به دست آورد. داریوش ارجمند هم به خاطر بازی در فیلم سگ‌کشی، سیمرغ بلورین بهترین

مانند بهرام بیضایی، رضا میرکریمی، علیرضا داوودنژاد و همایون آسعدیان، سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را به دست آورد. این در حالی بود که در بخش فیلمنامه، بهرام بیضایی موفق شد سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را برای فیلم سگ‌کشی به دست آورد، آن هم با وجود تنها کاندیدای دیگر در این بخش یعنی مجید مجیدی برای فیلم باران. سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش

دوره نوزدهم جشنواره فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۷۹ با حضور فیلم‌های جنجالی چون «سگ‌کشی» و «زیرنور ماه» از رضا میرکریمی فضای جذابی را برای اهالی سینما پدید آورد. ضمن آنکه در این دوره مقرر بود تا مراسم بزرگداشت برای

گاه‌شمار جشنواره

نوزدهمین دوره بهمن ۱۳۷۹

از بهرام بیضایی و «زیرنور ماه» از رضا میرکریمی فضای جذابی را برای اهالی سینما پدید آورد. ضمن آنکه در این دوره مقرر بود تا مراسم بزرگداشت برای